

تأثیر کمیته حسابرسی بر رشد پایدار در شهرداری ها

محسن بنویدی ورزنه

کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی هشت بهشت اصفهان

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر کمیته‌های حسابرسی بر رشد پایدار در شهرداری‌ها انجام شد. روش تحقیق کتابخانه‌ای با استفاده از کتب، مقالات، پایان نامه‌ها و... انجام گرفت. نتایج نشان داد کمیته‌های حسابرسی به عنوان نهادهای مستقل و نظارتی، نقش کلیدی در افزایش شفافیت مالی، کاهش فساد و سوء مدیریت، و بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری در شهرداری‌ها دارند. با نظارت دقیق بر عملکرد مالی و ارائه تحلیل‌های مستند، این کمیته‌ها به مدیران کمک می‌کنند تا تصمیمات بهینه‌تری اتخاذ کنند و منابع مالی را به‌طور مؤثرتری تخصیص دهند. همچنین، کمیته‌های حسابرسی با ترویج فرهنگ پاسخگویی و شفافیت، به افزایش مشارکت اجتماعی در فرآیندهای تصمیم‌گیری کمک می‌کنند. این مقاله نشان می‌دهد که تأثیرات مثبت کمیته‌های حسابرسی نه تنها به بهبود عملکرد مالی شهرداری‌ها منجر می‌شود، بلکه به ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان و حفظ محیط زیست نیز کمک می‌کند.

واژه‌های کلیدی: حسابرسی، کمیته، رشد، رشد پایدار، شهرداری

مقدمه

در دنیای امروز، رشد پایدار به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی در جوامع مختلف مطرح است. این مفهوم نه تنها به بهبود کیفیت زندگی شهروندان کمک می‌کند، بلکه به حفظ منابع طبیعی و محیط زیست نیز توجه دارد. در این راستا، نهادهای عمومی و دولتی، به ویژه شهرداری‌ها، نقش کلیدی در تحقق این هدف ایفا می‌کنند. یکی از ابزارهای مؤثر در بهبود عملکرد مالی و مدیریتی شهرداری‌ها، کمیته‌های حسابرسی هستند. کمیته حسابرسی به عنوان یک نهاد نظارتی، مسئولیت بررسی و ارزیابی فرآیندهای مالی و عملیاتی را بر عهده دارد و می‌تواند به شفافیت و مسئولیت‌پذیری در مدیریت منابع مالی کمک کند. این کمیته‌ها با نظارت بر گزارش‌های مالی، شناسایی نقاط ضعف و قوت در سیستم‌های مالی و ارائه پیشنهادات اصلاحی، می‌توانند به بهبود کارایی و اثربخشی شهرداری‌ها در دستیابی به اهداف توسعه پایدار کمک نمایند. تحقیقات نشان می‌دهد که وجود کمیته‌های حسابرسی قوی و مستقل در شهرداری‌ها می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی، کاهش فساد و بهبود مدیریت مالی منجر شود. این امر به نوبه خود به رشد پایدار شهرها کمک می‌کند، زیرا منابع مالی به طور بهینه‌تری مدیریت می‌شوند و پروژه‌های توسعه‌ای با کیفیت بالاتری اجرا می‌شوند.

رشد پایدار

پیشرفت اقتصادی از اولین اسناد موسس نظری اقتصادی در مرکز تحلیل اقتصادی بشمار می‌رود. در اصل، پیشرفت اقتصادی مسئله رساله آدام اسمیت در خصوص ثروت ملل بود. با این وجود پیشرفت لازم نیست به خودی خود هدف محسوب گردد از آنجا که این امر قابلیت کم شدن فقر، بالا رفتن سطح زندگی، پشتیبانی از هدف‌هایی همچون آموزش و مراقبت‌های بهداشتی و اثرگذاری مهمی بر کیفیت زندگی شهروندان می‌گذارد، اقتصاددانان سعی‌شان را بر بررسی دلایل پیشرفت برای قرنهای پی در پی جمع نموده‌اند. اکنون در این مکان قابل توجه است که به عنوان زمینه تحقیق اقتصاد ملی، گسترش مجموعاً از پیشرفت اقتصادی جدا می‌باشد. از پیشرفت اقتصادی در مجموع برای تفسیر کیفیت تقویت اقتصاد اغلب کشورهای در حال پیشرفت بکار می‌گیریم، در صورتی که گسترش یک اتفاق فقط اقتصادی نمی‌باشد. تو دارو و اسمیت (۲۰۰۹) متذکر می‌شوند که گسترش بایستی [...] به عنوان یک فرایند چند جانبه، که حاوی سازماندهی و سمت و سو داشتن دوباره تمام سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشد بشمار می‌رود. بجز ارتقای درآمد و تولید معمولاً دربردارنده تحولات اساسی در مکانیزم‌های اجتماعی و اداری سازمانی و از این رو دیدگاه‌های مردمی و در خیلی از موارد، حتی آداب و رسوم و باور هاست. عاقبت چنانچه گسترش بطور معمول در محدوده ملی معرفی گردد، ولی پیدایش وسیع آن امکان دارد به ویرایش مهم در نظام اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی ضرورت پیدا کند. با توجه به بیان تو دارو و اسمیت (۲۰۰۹)، گسترش اقتصادی و اجتماعی در تمامی اجتماعات لازم است حداقل ۳ هدف زیر را دارا باشد:

- ✓ بالا رفتن دسترس پذیری و توسعه انتشار کالاهای عمده زندگی همچون غذا، مسکن، بهداشت و محافظت.
- ✓ برای افزایش کیفیت زندگی (تأمین مشاغل معنادار و ارتقا ارزش‌های فرهنگی و انسانی)
- ✓ توسعه طیف گزینش‌های اقتصادی و اجتماعی در دسترس اشخاص و ملت‌ها با فرار آنها از وابستگی به دیگر ملت‌ها و نیز از نیروهای نادانی و فلاکت انسانی.

نقش دولت‌های ملی در عرصه گسترش اقتصادی امری الزامی می‌باشد. علیرغم دیدگاه خیلی از اقتصاددانان از جریان مهم نئوکلاسیک، این نقش لازم نیست محدود به اطمینان از راندمان درست بازارها و ویرایش خرابی‌های بازار ناشی شود. اقتصاد سنتی بر روی تخصیص کارآمد و کم خرج منابع با دسترسی کم و پیشرفت بهینه این منابع در طول زمان با هدف تولید دامنه

وسیع‌تری از کالاها و خدمات تمرکز دارد. بعلاوه اقتصاد سنتی نیز بر اقتصاد نئوکلاسیک متمرکز است، همانگونه که در کتب مقدماتی و میانگین اقتصادی در دانشگاه‌ها آموزش داده می‌شود در این حوزه، بازارها کامل هستند، در صورتی که له کاربر به عنوان یک حداکثر سازنده عقلانی قابل فهم است. از طرفی، اقتصاد گسترش طیف وسیع تری دارد اقتصاد گسترش بجز اینکه به تخصیص بهینه منابع کمیاب و پیشرفت دائمی آنها در طول زمان اهمیت می‌دهد با سازوکارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نهادی مورد نیاز برای شکل‌گیری توسعه‌های دارای سرعت و وسیع در کشورهای پیشرفته هم نیز سروکار دارد. در این عرصه، ایراد بازار به جای استثنا یک اصل می‌باشد و عقلانیت محدود کاربر به عنوان یک امر معمول مورد توجه است در صورتی که عدم اعتدال عموماً در اقتصاد حکومت می‌کند اندیشه رسمی اقتصادی به جای بررسی پویایی اقتصاد، بطور اساسی به اعتدال ایستایی محدود می‌گردد. نگرش تاریخی و دیدگاه‌های تجربی نخستین اقتصاددانان کلاسیک اسمیت، ریکاردو و مارکسامونگ به بعضی از دلایل شاخص در خصوص مسیر پیشرفت انجامیده ولی به تئوری‌های همبسته پیشرفت اقتصادی منتهی نگردیده است. با این وجود این موضوع قرار بوده در زمان ساخت مدل متحول شود از راه یاری بعضی دانشمندان که به شکل پررنگی تغییراتی در طرز دیدن معاصر خود در مسیر پیشرفت اقتصادی بوجود آوردند. تعریف‌های گوناگونی از گسترش پایدار بیان گردیده و در آخر خیلی از اشخاص با بکارگیری از همان واژه به مفاهیم و سیاست‌های گوناگون اشاره دارد تعبیرهای گوناگون شامل: پیشرفت موافق با محیط زیست، پیشرفت با کمتر تغییرات اقتصاد بزرگ، گسترش منصفانه و غیره بر اساس معرفی سازمان ملل متحد (۱۹۸۷)، پرکاربردترین معرفی از توسعه پایدار، شرح الگوی گسترش می‌باشد که الزامات کنونی را برطرف نماید بدون اینکه قابلیت نسل‌های آتی در رفع الزامات آنان را دچار چالش نماید (علیزاده، ۱۴۰۰).

کمیته حسابرسی

پیشینه ایجاد کمیته حسابرسی در آمریکا به سال ۱۹۳۹ باز می‌گردد. در آن زمان، کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا به تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس نیویورک پیشنهاد داد تا حساب‌رسان مستقل را گروهی از مدیران غیرموظف هیات مدیره شرکت‌ها معرفی و در مورد انعقاد قرارداد حسابرسی و تعیین حق‌الزحمه با آنان مذاکره کنند. سازمان از این گروه غیرموظف با عنوان «کمیته حسابرسی» یاد کرد. اما این پیشنهاد با فاصله زمانی زیادی و در سال ۱۹۷۱ به تصویب بورس اوراق بهادار آمریکا رسید. در نهایت، تشکیل کمیته حسابرسی برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار نیویورک از سال ۱۹۸۷ الزامی شد. با افزایش روند ایجاد کمیته حسابرسی در شرکت‌های سهامی آمریکا، اندیشه تشکیل آن در انگلستان نیز رواج یافت، تا اینکه در سال ۱۹۹۲، کمیته کادبری طی گزارشی به تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار لندن توصیه کرد تا کمیته حسابرسی را ایجاد کنند. اما، پذیرش این توصیه اختیاری بود. از این رو، بورس اوراق بهادار تمام شرکت‌های پذیرفته شده را ملزم کرد تا میزان پذیرش این توصیه را در گزارش سالانه مجمع عمومی صاحبان سهام خود افشا کنند. به این ترتیب، سهامداران از وضعیت ایجاد کمیته حسابرسی یا دلایل عدم تشکیل آن آگاه می‌شدند. با انتشار گزارش کمیته کادبری، تعداد شرکت‌هایی که کمیته حسابرسی را تشکیل دادند، بطور چشمگیری افزایش یافت. بطوری که در سال ۱۹۹۴، ۸۳.۸ درصد از شرکت‌های سهامی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار لندن، در ساختار سازمانی خود جایی برای کمیته حسابرسی داشته‌اند (محمدپور و شهرابی، ۱۳۹۳). در ایران نیز سازمان بورس و اوراق بهادار در سال ۱۳۹۱ کلیه شرکت‌های بورسی را ملزم کرد که تا تاریخ ۱۹ مهرماه ۱۳۹۱ کمیته حسابرسی خود را به سازمان و بورس و اوراق بهادار اعلام کنند. در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۳ نیز در اجرای ماده ۱۰ دستورالعمل کنترل‌های داخلی برای ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، منشور کمیته حسابرسی شرکت نمونه (سهامی عام) شامل ۱۴ ماده و ۲ تبصره به تصویب

هیأت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار رسید و از تاریخ تصویب، لازم‌الاجرا شده است. مطابق این منشور، هدف از تشکیل کمیته حسابرسی کمک به ایفای مسئولیت نظارتی هیأت‌مدیره و بهبود آن جهت کسب اطمینان معقول از ۱. اثربخشی فرآیندهای نظام راهبری، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی؛ ۲. سلامت گزارشگری مالی؛ ۳. اثربخشی حسابرسی داخلی؛ ۴. استقلال و اثربخشی حسابرسی مستقل؛ ۵. رعایت قوانین، مقررات و الزام‌ها است (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۱). این منشور همچنین پیرامون مسئولیت کمیته حسابرسی درباره کنترل‌های داخلی و مدیریت ریسک، گزارشگری مالی، حسابرسی داخلی، حسابرسی مستقل، رعایت قوانین، مقررات و الزام‌ها، گزارشدهی و سایر مسئولیت‌ها مطالبی را مطرح کرده است. اعضای کمیته حسابرسی باید ترکیبی از اعضای مستقل، غیرموظف و دارای تخصص مالی و حسابداری باشد که در ادامه به تشریح آن‌ها پرداخته می‌شود (توانگر و اسکافی، ۱۳۹۷).

استقلال اعضای کمیته حسابرسی

پرسون (۲۰۰۹) معتقد است که استقلال کمیته حسابرسی در اندازه‌گیری میزان اثربخشی کمیته حسابرسی ضروری است. انتخاب اعضای کمیته خارج از سازمان، استقلال اعضای کمیته را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، نبود مدیران موظف در کمیته حسابرسی سبب می‌شود تا حسابرسان بتوانند مسائلی همچون نقاط ضعف کنترل‌های داخلی، اختلاف نظر با مدیریت درباره اصول و روش‌های حسابداری، نشانه‌های احتمالی سوء استفاده‌های مدیریت یا سایر اعمال غیر قانونی مسئولان شرکت را صریح‌تر با کمیته حسابرسی مطرح کنند. تماس‌های کمیته حسابرسی با حسابرسان، اطلاعاتی به هنگام درباره وضعیت مالی واحد اقتصادی و نیز اطلاعات لازم برای ارزیابی کارایی و درستکاری مدیریت در اختیار هیأت‌مدیره واحد اقتصادی قرار می‌دهد (ارباب سلیمانی و نفری، ۱۳۸۷). کلین (۲۰۰۲)، عوامل تعیین‌کننده استقلال کمیته حسابرسی را مورد مطالعه قرار داد. این مطالعه نشان داد که استقلال کمیته حسابرسی با افزایش اندازه هیأت‌مدیره و استقلال هیأت‌مدیره افزایش و با فرصت رشد شرکت و گزارشگری متوالی زیان‌های شرکت‌ها کاهش می‌یابد. کارسلو و نیل (۲۰۰۳) نشان دادند که استقلال کمیته حسابرسی با افشای وضعیت مالی شرکت‌هایی که با بحران مالی روبرو شده‌اند، ارتباط دارد.

تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی

اثربخشی کمیته حسابرسی در اجرای اهداف بستگی به دانش و صلاحیت اعضای آن در امور کسب و کار، گزارشگری مالی، کنترل‌های داخلی و حسابرسی دارد. طبق تعریف سازمان بورس و اوراق بهادار تهران تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی عبارت است از مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه‌ای ملی یا معتبر بین‌المللی در امور مالی (حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد و سایر رشته‌های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی) همراه با توانایی تجزیه و تحلیل صورت‌ها و گزارش‌های مالی و کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی. مهارت‌ها و تجارب حرفه‌ای اعضای کمیته در زمینه گزارشگری مالی یک عامل کاملاً آشکار و مرتبط با اثربخشی کمیته حسابرسی است (یوسفی آذر، ۱۳۹۱). باید توجه داشت که داشتن تخصص حسابداری یا مالی برای تمامی اعضای کمیته ضرورتی ندارد. زیرا کمیته می‌تواند از نظر مشاوران در حوزه‌های تخصصی استفاده کند. اما در هر صورت، اعضای کمیته باید قادر باشند سؤالات صحیحی مطرح کرده و بتوانند پاسخ‌ها را نیز به خوبی تحلیل کنند. البته نباید فراموش شود که برای افزایش اثربخشی و کیفیت عملکرد، لازم است تا حداقل یکی از اعضای کمیته در زمینه حسابداری یا مدیریت مالی تخصص داشته و از تمامی رویدادها و تغییرات در فرآیندها و الزامات گزارشگری آگاهی داشته باشد؛ زیرا وظیفه اصلی کمیته حسابرسی، بررسی فرآیندهای گزارشگری مالی برای کسب اطمینان از کیفیت آن است

(محمدپور و شهرابی، ۱۳۹۳). بطور کلی این ویژگی با اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه تنگاتنگی داشته است و در ادبیات تحقیقات پیشین به نحو چشمگیری مورد توجه قرار گرفته است. دیزورت و سالتریو (۲۰۰۱)، نمونه‌ای از اعضای کمیته حسابرسی شرکت‌های کانادایی را مورد بررسی قرار دادند تا واکنش آن‌ها را نسبت به مذاکرات میان حسابرسی مستقل و مدیریت شرکت مشخص کنند. آن‌ها دریافتند که حمایت بیشتر از حسابرس مستقل به وسیله کمیته حسابرسی با تجربه بیشتر مدیر مستقل و دانش بالاتر گزارشگری حسابرسی مدیران ارتباط دارد. با وجود این، رابطه معنی‌داری بین قضاوت اعضای کمیته حسابرسی و دانش گزارشگری مالی آن‌ها پیدا نکردند (تختائی و همکاران، ۱۳۹۰). مک‌دانیل و همکاران (۲۰۰۲) برای بررسی اختلاف قضاوت درباره کیفیت گزارشگری مالی میان کارشناسان مالی و تحصیل کرده‌های مالی آزمایشی انجام دادند. نتایج حاصل از مطالعه شمول کارشناسان مالی را در کمیته حسابرسی در بر داشت که احتمال می‌رود یکنواختی ارزیابی‌های کلی کیفیت گزارشگری را بهبود بخشد. دیویدسان، زای و زو (۲۰۰۴)، در تحقیقی بازده سهام را پیرامون زمان انتصاب اعضای کمیته حسابرسی مورد بررسی قرار دادند. نتایج آن‌ها نشان داد مادامی که اعضای جدید کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی باشند، شاهد تاثیرگذاری قابل ملاحظه‌ای روی قیمت سهام هستیم. کانسوئلو و دفیوئنتس (۲۰۰۷) بیان می‌دارند که مطالعات قبلی نشان داده‌اند مهارت‌ها و تجارب حرفه‌ای اعضای کمیته در زمینه گزارشگری مالی یک عامل کاملاً آشکار مرتبط با اثربخشی کمیته حسابرسی است (تختائی و همکاران، ۱۳۹۰). هیات نظارت عمومی بیان می‌دارد که اگر اعضای کمیته حسابرسی، تخصص در حسابداری، حسابرسی، کنترل داخلی و بخش‌های گزارشگری مالی داشته باشند در انجام کار خود موثرتر عمل می‌کنند (عثمان و همکاران، ۲۰۱۴). پرسون (۲۰۰۹) ذکر کرد که در کمیته حسابرسی با اعضای مستقل و دارای تخصص حسابداری و مالی، احتمال بیشتری وجود دارد که صورت‌های مالی اشتباه و معاملات نادرست کشف شوند؛ زیرا آن‌ها باید برای حفظ شهرتشان به منشور اخلاقی حرفه عمل کنند. نوشتارهای نظری و تجربی مختلف اهمیت انواع مختلف تخصص و تجربه را پیرامون فعالیت‌های عملیاتی متنوع شناسایی کرده‌اند. علاوه بر استقلال، تخصص کمیته حسابرسی نیز اغلب به عنوان ویژگی مهمی برای عملکرد مؤثر آن در نظر گرفته می‌شود. استدلال شده است که نظارت مؤثر کمیته حسابرسی ایجاب می‌کند که اعضای آن برای ارزیابی مستقل موضوعاتی که به آن‌ها ارائه می‌شود، تخصص کافی در حسابداری و حسابرسی داشته باشند. بدون درجه مشخصی از تخصص، برای اعضای کمیته حسابرسی دشوار خواهد بود تا اطلاعات مالی را که ملزم به ارزیابی آن‌ها هستند به اندازه کافی درک کنند. علاوه بر این مدیران دارای مدرک حرفه‌ای قانونی تمایل به داشتن آگاهی بیشتر از وظایفشان و الزامات قانونی پیرامون گزارشگری مالی دارند. همچنین نهادهای تدوین کننده مقررات در ایالات متحده آمریکا اهمیت قابل ملاحظه‌ای در زمینه تخصص کمیته حسابرسی تشخیص داده‌اند (تختائی و همکاران، ۱۳۹۰). هیتاش و همکاران (۲۰۰۹) معتقدند که کمیته حسابرسی مسئول نظارت بر سیستم کنترل داخلی در فرآیند گزارشگری مالی می‌باشد که این امر بواسطه تخصص مالی بیشتر اعضای کمیته حسابرسی محقق می‌شود.

اندازه کمیته حسابرسی

چوی و همکاران (۲۰۰۴) بیان می‌دارند که اندازه کمیته حسابرسی می‌تواند تأثیر سازنده‌ای روی کمیته داشته باشد. کمیته حسابرسی بزرگ‌تر می‌تواند موثرتر باشد بطوری که کمیته‌ها تمایل دارند که شامل اعضای با تخصص‌های گوناگون برای انجام کنترل جدی‌تر رویه‌های گزارشگری مالی باشند (عثمان و همکاران، ۲۰۱۴). کمیته ریبون بلو (۱۹۹۹) توصیه می‌کند که کمیته حسابرسی حداقل باید سه عضو داشته باشد. به هر حال کمیته حسابرسی کمتر تمایل دارد که بر اساس رابطه‌ای خطی با تاثیرگذاری عمل کنند، به این معنا که با افزایش اندازه کمیته، مؤثر و با کاهش اندازه کمیته، غیر مؤثر باشند. کارامانو

وافیس (۲۰۰۵)، بیان می‌کنند که کمیته حسابرسی بزرگ‌تر، دانش وسیع‌تری دارد که بر مبنای آن استدلال و استنتاج می‌کنند (تختائی و همکاران، ۱۳۹۰). مطالعات قبلی همچون دالتون و همکاران (۱۹۹۹) نشان دادند که بین اندازه کمیته حسابرسی و نظارت بر عملکرد هیأت مدیره رابطه‌ای مثبت وجود دارد که منجر به عملکرد بهتر می‌شود (عثمان و همکاران، ۲۰۱۴). عثمان و همکاران (۲۰۱۴) نیز بیان داشتند که اندازه بزرگ‌تر از کمیته حسابرسی (کمیته حسابرسی با اعضای بیشتر)، می‌تواند اثربخشی بیشتری در نظارت بر شرکت داشته باشد؛ که این می‌تواند به افشای با کیفیت‌تر اطلاعات منجر می‌شود (عثمان و همکاران، ۲۰۱۴). با این حال، این تفکر هم وجود دارد که اندازه‌های بزرگ‌تر از یک کمیته حسابرسی منجر به ایجاد بحث‌های غیر ضروری و تأخیر در تصمیم‌گیری و همچنین شکل‌گیری ارتباطات ضعیف‌تر می‌گردد (لین و همکاران، ۲۰۰۸). برخی از ادبیات مالی موجود نیز شواهدی در زمینه رابطه منفی میان اندازه هیأت مدیره و اثربخشی نقش کنترلی مدیران فراهم می‌کند. هرچه کمیته حسابرسی بزرگ‌تر باشد، برای مدیران اجرایی سخت‌تر خواهد بود که اکثریت اعضا را برای انجام اصلاحات پیشنهادی ارائه شده از سوی حسابرسان مستقل تحت فشار قرار دهند. اما از طرف دیگر، این موضوع احتمال اشتباه با اهمیت در صورت‌های مالی و عدم رعایت اصول پذیرفته شده حسابداری را کاهش خواهد داد که منجر به گزارش حسابرسی مقبول خواهد شد و احتمال افشای شرایط ابهام یا محدودیت در رسیدگی افزایش خواهد یافت (تختائی و همکاران، ۱۳۹۰).

تأثیر کمیته حسابرسی بر رشد پایدار در شهرداری‌ها

کمیته‌های حسابرسی در شهرداری‌ها تأثیر بسزایی بر رشد پایدار دارند که این تأثیر به چندین جنبه کلیدی مرتبط می‌شود. یکی از مهم‌ترین این جنبه‌ها، افزایش شفافیت مالی است. کمیته‌های حسابرسی با نظارت بر فرآیندهای مالی و حسابداری شهرداری‌ها، به شفافیت در گزارش‌های مالی کمک می‌کنند. این شفافیت باعث افزایش اعتماد عمومی به نهادهای دولتی می‌شود و شهروندان را به مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری تشویق می‌کند. در نتیجه، منابع مالی به‌طور بهینه‌تری تخصیص می‌یابند و پروژه‌های توسعه پایدار با کیفیت بالاتری اجرا می‌شوند. علاوه بر این، وجود کمیته‌های حسابرسی مستقل و قوی می‌تواند به کاهش فساد و سوء مدیریت در شهرداری‌ها کمک کند. این کمیته‌ها با شناسایی و گزارش‌دهی تخلفات مالی، به جلوگیری از هدررفت منابع و سوءاستفاده از آن‌ها می‌پردازند. این امر به بهبود کارایی و اثربخشی پروژه‌های توسعه پایدار منجر می‌شود. همچنین، کمیته‌های حسابرسی با ارائه تحلیل‌های دقیق و مستند از وضعیت مالی و عملکرد شهرداری، به مدیران کمک می‌کنند تا تصمیمات بهتری اتخاذ کنند. این تصمیمات می‌توانند به بهینه‌سازی منابع و اجرای پروژه‌های مؤثر در راستای رشد پایدار منجر شوند. کمیته‌های حسابرسی همچنین می‌توانند در تدوین و نظارت بر سیاست‌های مالی پایدار نقش فعالی ایفا کنند. این سیاست‌ها باید به مدیریت بهینه منابع مالی و استفاده مؤثر از آن‌ها در پروژه‌های توسعه پایدار کمک کنند. با افزایش شفافیت و پاسخگویی، کمیته‌های حسابرسی می‌توانند به افزایش مشارکت اجتماعی در فرآیندهای تصمیم‌گیری کمک کنند. این مشارکت می‌تواند به بهبود کیفیت خدمات عمومی و پروژه‌های توسعه‌ای منجر شود و در نهایت به رشد پایدار شهرها کمک کند. نظارت بر تأثیرات زیست‌محیطی نیز از دیگر وظایف کمیته‌های حسابرسی است. این کمیته‌ها می‌توانند به ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی پروژه‌های شهرداری بپردازند و به شهرداری‌ها کمک کنند تا پروژه‌هایی را انتخاب کنند که با اصول توسعه پایدار همخوانی دارند و به حفظ محیط زیست کمک می‌کنند. در نهایت، کمیته‌های حسابرسی با ترویج فرهنگ پاسخگویی در شهرداری‌ها، به ایجاد یک محیط مدیریتی سالم و پایدار کمک می‌کنند. این فرهنگ باعث می‌شود که مدیران و کارکنان شهرداری‌ها به مسئولیت‌های خود در قبال جامعه و محیط زیست توجه بیشتری داشته باشند.

در نتیجه، کمیته‌های حسابرسی با تأثیرگذاری بر جنبه‌های مختلف مدیریت مالی و عملیاتی شهرداری‌ها، نقش مهمی در تحقق رشد پایدار ایفا می‌کنند. این تأثیرات نه تنها به بهبود عملکرد مالی شهرداری‌ها کمک می‌کند، بلکه به ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان و حفظ منابع طبیعی نیز منجر می‌شود.

راهکارهای تقویت کمیته‌های حسابرسی در شهرداری‌ها

برای تقویت کمیته‌های حسابرسی در شهرداری‌ها و تحقق رشد پایدار، می‌توان به راهکارهای زیر اشاره کرد:

۱. **توسعه استراتژی‌های حسابرسی پایدار:** کمیته‌های حسابرسی باید استراتژی‌هایی را تدوین کنند که به ارزیابی و نظارت بر پروژه‌های توسعه پایدار بپردازند. این استراتژی‌ها باید شامل معیارهای ارزیابی تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی پروژه‌ها باشد.

۲. **ایجاد نظام‌های گزارش‌دهی شفاف:** شهرداری‌ها باید نظام‌های گزارش‌دهی شفاف و دقیقی را برای کمیته‌های حسابرسی ایجاد کنند. این نظام‌ها باید شامل اطلاعات مالی و غیرمالی مرتبط با پروژه‌های توسعه پایدار باشد تا کمیته‌ها بتوانند به‌طور مؤثر عملکرد شهرداری را ارزیابی کنند.

۳. **تقویت همکاری با ذینفعان:** ایجاد همکاری نزدیک با ذینفعان مختلف، از جمله سازمان‌های غیردولتی، دانشگاه‌ها و جامعه محلی، می‌تواند به بهبود فرآیندهای حسابرسی و افزایش شفافیت کمک کند. این همکاری‌ها می‌توانند به تبادل تجربیات و بهترین شیوه‌ها منجر شوند.

۴. **استفاده از فناوری‌های نوین:** بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعاتی و ابزارهای تحلیلی می‌تواند به بهبود دقت و کارایی کمیته‌های حسابرسی کمک کند. این فناوری‌ها می‌توانند به شناسایی سریع‌تر نقاط ضعف و ارائه راهکارهای بهینه کمک کنند.

۵. **آموزش و توانمندسازی اعضای کمیته:** برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی برای اعضای کمیته‌های حسابرسی در زمینه‌های مرتبط با رشد پایدار، می‌تواند به ارتقاء دانش و مهارت‌های آن‌ها کمک کند و به بهبود کیفیت عملکرد کمیته‌ها منجر شود.

۶. **ایجاد فرهنگ شفافیت و پاسخگویی:** ترویج فرهنگ شفافیت و پاسخگویی در شهرداری‌ها می‌تواند به تقویت کمیته‌های حسابرسی کمک کند. این فرهنگ باید شامل اطلاع‌رسانی به شهروندان درباره فعالیت‌های کمیته‌ها و نتایج حسابرسی‌ها باشد.

۷. **تدوین سیاست‌های مالی پایدار:** کمیته‌های حسابرسی باید در تدوین و نظارت بر سیاست‌های مالی پایدار شهرداری‌ها نقش فعالی ایفا کنند. این سیاست‌ها باید به بهینه‌سازی منابع مالی و استفاده مؤثر از آن‌ها در پروژه‌های توسعه پایدار کمک کنند.

۸. **تشویق مشارکت شهروندان:** ایجاد بسترهایی برای مشارکت شهروندان در فرآیندهای حسابرسی و نظارت می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی و بهبود عملکرد کمیته‌ها کمک کند. این مشارکت می‌تواند از طریق برگزاری جلسات عمومی و مشاوره با شهروندان انجام شود.

با اجرای این راهکارها، کمیته‌های حسابرسی در شهرداری‌ها می‌توانند به بهبود عملکرد مالی و مدیریتی کمک کرده و در نهایت به تحقق اهداف رشد پایدار در جوامع محلی یاری رسانند.

منابع و مآخذ

۱. ارباب سلیمانی، عباس و محمود نفری، (۱۳۸۷)، اصول حسابرسی، تهران، سازمان حسابرسی.
۲. تختائی، نصرالله، محمد تمیمی و زهرا موسوی، (۱۳۹۰)، نقش کمیته حسابرسی در کیفیت گزارشگری مالی، مجله حسابداری رسمی، شماره ۱۵، صص ۴۵-۵۶.
۳. توانگر حمزه کلایی، افسانه، اسکافی اصل، مهدی (۱۳۹۷) ارتباط بین قدرت مدیر عامل، ویژگی های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی، مجله پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۰، شماره ۳۸، ۱۸۷-۲۰۷.
۴. علیزاده، فاطمه (۱۴۰۰) بررسی رابطه بین رشد پایدار و توسعه پایدار با مروری بر وضعیت ایران در این زمینه، دومین کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و علوم اسلامی، تهران.
۵. محمدپور، مسعود و محمد شهبازی، (۱۳۹۳)، سازو کار کمیته حسابرسی، ماهنامه حسابداری، شماره ۲۶۵.
۶. یوسفی آذر، سیده الهام، (۱۳۹۱)، اثربخشی کمیته حسابرسی در بهبود کیفیت گزارشگری مالی، اولین همایش منطقه ای پژوهش ها و راهکارهای نوین در حسابداری و مدیریت، موسسه آموزش عالی رودکی، تنکابن، ۱۳۹۱.
7. Hoitash, U., R. Hoitash, and J. C. Bedard, (2009), "Corporate Governance and Internal Control over Financial Reporting: A Comparison of Regulatory Regimes", The Accounting Review 84 (3), PP. 839-67.
8. Lin, Z. J., Xiao, J. Z. and Tang, Q, (2008), "The Roles, Responsibilities and Characteristics of Audit Committee in China", Accounting, Auditing & Accountability Journal, 21 (5), PP. 721-751.
9. Othman, R., Ishak, I. F., Arif, S. M. M. and Abdol, N, (2014), "Influence of Audit Committee Characteristics on Voluntary ethics Disclosure", Procedia - Social and Behavioral Sciences, 145, PP. 330 - 342.
10. Person, O. S, (2009), "Audit Committee Characteristics and Earlier Voluntary ethics Disclosure among Fraud and No-Fraud Firms", International Journal of Disclosure and Governance, 6 (4), PP. 284-297.